

آسیب های جامعه در پرتو فرهنگ با نگاه روانشناختی

جواد شیرکرمی^۱

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده

فرهنگ یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین بخش های زندگی بشر در طول تاریخ بوده است، به طوری که بدون فرهنگ حیات و هویت یک جامعه معنا ندارد. با اندکی تأمل در می یابیم که سبک زندگی، پیشرفت، قوانین و هنجارها، رفتار و تفکرات، عادات و... همگی ریشه در فرهنگ هر جامعه دارند. در واقع تمام ابعاد حیات یک جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-ارتباطی، امنیتی، آموزش و خدمات تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه قرار دارند. اما هر فرهنگ دارای ویژگیهای مثبت و یا منفی فراوانی است که در طول تاریخ در حوزه فرهنگ آن کشور رسوخ کرده و جزئی از آن شده اند. بدون شک در جامعه ای که اعضای آن با احساس مسئولیت، رفاه و پیشرفت جامعه را رفاه و پیشرفت خود می دانند و نسبت به هموعان خود بی تفاوت نیستند و همواره در پی ارتقا و تعالی خود و جامعه متبوع خود هستند، می توان به پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه امیدوار شد. اما بی توجهی و انفعال در برابر آسیب های موجود در پیکره فرهنگ، ضربات سنگینی بر پیشرفت، رفاه، انسجام و کیفیت زندگی شهروندان وارد می سازد. عدم تلاش برای شناخت و چاره اندیشی برای این آسیب ها موجب تداوم وضع نامطلوب و گسترش بی نظمی و عقب ماندگی یک جامعه خواهد شد.

واژه های کلیدی: فرهنگ، جامعه، آموزش و پرورش، شخصیت، روانشناسی فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

می‌توان گفت که فرهنگ، نامرئی‌ترین و نیز آشکارترین بخش از زندگی بشر را شامل می‌شود و ارزش‌ها، درونی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر فرهنگ را تشکیل می‌دهند که منشأ همه رفتار و حالات و عملکردهای فرد و جامعه اند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۱). هر جامعه‌ای فرهنگی خاص دارد و نمی‌توان جامعه‌ای را بدون فرهنگ تلقی کرد، حتی در جوامع بدوی نیز فرهنگ وجود داشته است. بنابراین اگر گفته شود که جامعه معینی بی‌فرهنگ است، تعبیری غیرعلمی است. جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان تعاریف متعددی برای فرهنگ برشمرده‌اند، اما به طور کلی می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی، ارزشها، هنجارها، تجارب، علوم و فناوری و آداب و رسوم دانست که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (ضمیری، ۱۳۸۰). فرهنگ تعیین کننده سبک زندگی اعضای یک جامعه است و تمام ابعاد زندگی از جمله اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، رفتار و فرایندهای ذهنی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آدبایو و ایلوری، ۲۰۱۳). در گذشته در برخی از نوشته‌ها نمونه‌هایی از ویژگی‌های منفی فرهنگی مطرح شده است. اما حتی اگر موارد مطرح شده کاملاً هم با واقعیت منطبق نباشد، درصد بالایی از جامعه نخبگان کشور و حتی مردم عادی نیز نگرشی همسو با همان مطالب مطرح شده را دارند. اما ویژگی‌های منفی را نباید جزئی از فرهنگ اصیل تلقی کرد بلکه این ویژگی‌ها، بیماری‌هایی هستند که به دلایل مختلف در عرصه فرهنگ یک جامعه رسوخ می‌کنند. زیرا علی‌رغم ویژگی‌های منفی مذکور، از دل همین جامعه بزرگانی همچون فردوسی، عطار و سعدی ظهور کرده‌اند. در واقع، همه فرهنگ‌های جهان دارای ویژگی‌های مثبت و منفی فراوانی هستند و این مسأله اختصاص به کشور خاصی ندارد (بهشتی، ۱۳۹۴)؛ از مسائل مهم و تأثیرگذار در این بین شرایط محیطی (و اقتصادی) است که موجب تسهیل و گسترش ویژگی‌های منفی و نامتعارف در یک فرهنگ می‌شوند.

با توجه به تأثیر فرهنگ بر تمام ابعاد زندگی فرد-جمعی و پیشرفت علمی و اقتصادی، امنیت و رفاه یک جامعه، آسیب‌شناسی در این حوزه حائز اهمیت فراوان است. این پژوهش با هدف مطالعه اجمالی انعکاس محتوای فرهنگ در حالات، رفتار، نظم و مقررات، مسئولیت‌پذیری، پشتکار، روابط و همکاری اعضای جامعه انجام شده است.

۲. روانشناسی فرهنگی

روانشناسان رفتارهایی که از انسان سر می‌زند را به وسیله الگوهای فکری، روش‌ها و فرآیندها و از طریق مفهوم و برداشت خاصی که رویکرد نام دارد تحلیل می‌کنند. از عمده‌ترین رویکردهای روانشناسی عبارتند از: زیستی، رفتاری، شناختی، روانکاو و پدیدارشناختی (ویکی‌فقه، ۱۳۹۷). از طرفی انسان دارای سیستم عصبی پیچیده‌ای است و فرآیندها و رفتارهای روانی او به گونه‌ای با سیستم عصبی و هورمونی رابطه دارند (انکینسون و همکاران، ۱۳۷۸). رفتار آدمی در خصوصیات زیربنایی شخصیت و تجربیات اجتماعی خاص هر فرد ریشه دارد. بر اساس نتایج تحقیقات مربوط به علوم اعصاب شناختی، هر فرهنگی ارزشها و الگوهای رفتاری و تحلیلی خاصی برای اعضای خود ارائه می‌کند که مبنای طراحی الگوهای پیشرفت و توسعه هر فرهنگ قرار می‌گیرند (نجاتی، ۱۳۹۱).

مطالعه و پژوهش رفتارهای جمعی همواره مورد توجه چندین رشته علمی از جمله زیست‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بوده است. اما با گسترش رویکردهای بین‌رشته‌ای در زمینه رفتارهای جمعی گرایش‌های جدید نیز به وجود آمده است. روانشناسی فرهنگی از جالب‌ترین رویکردهایی است که به مطالعه تأثیر فرهنگ بر بازنمایی‌های ذهنی و فرایندهای روانی افراد می‌پردازد (www.arkhodiedu.ir). معمولاً مطالعات روانشناسی فرهنگی را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱) روانشناسی تک فرهنگی: تحقیقاتی که به رابطه بین امور روانی و فرهنگی در یک فرهنگ می‌پردازند.

۱. Adebayo & Ilori

۲. Pathology

۲) روانشناسی بین فرهنگی: تحقیقاتی که بر فرایندهای تعاملی چندین فرهنگ بین افراد و گروه هایی که متعلق به یک فرهنگ نیستند، تکیه دارد.

۳) روانشناسی فرهنگی تطبیقی: پژوهش هایی که با مقایسه فرهنگ های مختلف صورت می گیرد و تعامل بین فرهنگ ها مطرح نیست.

با این اوصاف، مطالعه روانشناسی فرهنگی دست کم سه فایده دارد (همان):

- بررسی ارتباطات و تعاملات بین فرهنگی

- آسیب شناسی فرهنگی نظام های اجتماعی

- تحلیل و شناخت فرایند شکل گیری رفتارهای اجتماعی

۳. آسیب های فرهنگی

اصطلاح آسیب شناسی در رشته های مختلف علوم کاربرد دارد و به طور کلی موقعیت و یا حالتی زیست شناختی نابهنجار را مورد مطالعه قرار می دهد. در صورت عدم شناخت و مقابله با این آسیب ها، آنها رفته رفته در فرهنگ اصیل یک جامعه نفوذ می کنند. آسیب شناسی در عرصه فرهنگ، به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که ریشه فرهنگی دارند و عناصر سازنده رفتار، عادات و کنشهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می دهند. سهل انگاری در این زمینه، به کاهش مقاومت افراد در برابر ناهنجاریهای فرهنگی منجر می شود و در نتیجه به استحاله فرهنگی، انحراف فرهنگی و شکل گیری فرهنگی از نوع جدید و متفاوت با فرهنگ اصیل می انجامد (رحمت آبادی، ۱۳۹۳).

تغییر و تحولات سریع و عدم اتخاذ تدابیر درست و کسب آمادگی لازم برای مواجهه، از چالشهای موجود اجتماعی و تربیتی هستند که دست اندرکاران رشته های روانشناسی، علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت را به مطالعه و چاره جویی برای کاهش آسیب ها ترغیب نموده است.

شکاف نسل ها، تغییر شتابنده دانش، تأخر فرهنگی، بحران هویت، تغییر ذهنیت و تغییر شکل و سبک زندگی از مهمترین عواملی هستند که بر روان انسان، آستانه تحمل و تصمیم گیری افراد تأثیر می گذارند و انسان را در انتخاب مواضع و فعالیت های زندگی در معرض خطا قرار می دهد.

۴. شخصیت و فرهنگ

در حال حاضر رابطه بین فرهنگ و شخصیت در فرهنگ های مختلف نشان دهنده هماهنگی نزدیک این دو می باشد. اما این شباهت در سطح جهانی مورد تأیید نیست (مارکیس، ۲۰۰۴). مادوکس و وینستد (۲۰۰۸) معتقدند که تفاوت های اجتماعی ملاک معتبرتری جهت ارائه تعاریف و توصیف وضعیت روانی و آسیب های این حوزه است (شاهی و همکاران، ۱۳۹۵).

تغییر و تحولات فرهنگ ها از مسائل مورد بحث رایج در علوم جامعه شناختی است. جامعه شناسان معتقدند همان طور که شخصیت افراد از فرهنگ هر منطقه، جامعه یا طبقه تأثیر می پذیرد، تأثیرات متقابل و پیچیده ای را در عرصه فرهنگ بر جای می گذارد. همواره شخصیت هایی وجود داشته و دارند که دگرگونی های فرهنگی را رهبری می کنند و یا بر ثبات و استحکام

فرهنگی می‌افزایند. فرهنگ یک جامعه بنا به دلایل مختلف نظیر تأثیر پذیری از عوامل اجتماعی، اقتصادی به صورت ارادی و غیر ارادی بر شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. هر فردی از آغاز طفولیت بر اساس همان روش‌هایی عمل می‌کند که فرهنگ جامعه او ایجاب می‌کند. به عبارت دیگر انسان ناگزیر است که خواسته‌های ناشی از ساقی‌های زیستی را با قیدها، آداب و رسوم و اولویت‌های فرهنگی جامعه خویش منطبق سازد تا قادر باشد به عنوان یک عضو و شهروندی مورد تأیید در جامعه زندگی کند (www.irannema.com). از آنجا که فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها، آداب و رسوم و ارزش‌ها را در بر می‌گیرد بر ابعاد مختلف زندگی انسان و به تبع، بر شخصیت و وضعیت روانی انسان تأثیر می‌گذارد. همچنین شهروندان متکامل، رشدیافته و هنجارمند نیز عامل اساسی در راستای بازسازی، انسجام و غنای هر فرهنگ می‌باشند.

پیچیدگی دنیای جدید همراه با ظهور پدیده‌های ارتباطی جدید، شیوه زندگی، طریقه امرار معاش، سلیقه مصرف و نیازهای زندگی فردی و جمعی را دگرگون ساخته است.

۵. فرهنگ و جامعه

ارتباط و تأثیر فرهنگ و جامعه از جنبه‌های فردی و جمعی قابل طرح است. فردی که دغدغه هم‌نوعان، هم‌شهریان، همسایگان، آشنایان و ... را دارد و به نظم و کار و تلاش و قانون اهمیت می‌دهد و در پی خلق ایده‌ها و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات جمعی است و امیدوارانه به آینده می‌نگرد، بدون شک از پشتوانه فرهنگی و تربیتی تشکیل و تقویت چنین ویژگی‌هایی برخوردار است (شیرکرمی، ۱۳۹۶). در واقع، شهروندان آگاه به حقوق و وظایف خود، به نحو مؤثر و معنادارتری در روند زندگی اجتماعی مشارکت می‌کنند و همچنین زندگی فردی خود را بهتر می‌توانند مدیریت کنند (امین‌زاده، ۱۳۹۴).

از طرفی، شناخت و استفاده از توان اجتماعی افراد، کمک بسیار مؤثری در حیطه بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌ها و استعدادها اعضای جامعه در ابعاد رسمی و غیررسمی می‌باشد. تسهیل روند هم‌افزایی و تشکیل انجمن‌های مختلف با طرح و برنامه‌های مسئله‌یابی و چاره‌جویی از اهرم‌های مؤثر در تغییر اوضاع نامطلوب و بهبود وضعیت، همراه با صرفه‌جویی اقتصادی و زمانی است. تربیت اجتماعی با تربیت خانوادگی، وضعیت فرهنگی، ارزش‌ها، پیشرفت و رفاه و ... در ارتباط است.

رشد و تربیت آدمی در بستر فرهنگ هر جامعه تحقق می‌یابد. تربیت دارای معنا و مفهومی گسترده در حوزه‌های رفتاری، گفتاری، فکری، حالات، عادات و مهارت‌ها در ابعاد رسمی و غیررسمی (خانواده، اجتماع و آموزشگاه)، آشکار و ضمنی، مقطعی و بلندمدت است که با تمرکز بر ایجاد تغییر در راستای درونی کردن ارزش‌ها، هنجارها و انتقال تجارب (با محوریت مقتضیات) صورت می‌گیرد (شیرکرمی، ۱۳۹۶). تحقق تربیت انسانی به شکل جامع و اصولی می‌تواند به رشد و شکوفایی و نظم اجتماعی منجر شود.

فرهنگ تعیین‌کننده حالات، روابط و رفتارهای اعضای یک جامعه است. فرهنگ متعالی و غنی از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری، همکاری و مشارکت به تعالی و پیشرفت جامعه می‌انجامد و ضعف فرهنگ به تضعیف اجتماع خواهد انجامید. در واقع، توسعه مجرای تحقق آرمان‌ها، تمایلات و خواسته‌های جوامع مختلف است و توسعه فرهنگی به معنای ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها و هنجارهای مناسب است که ارضای نیازهای آدمی را در قالب اجتماع و بر پایه اخلاق ممکن می‌سازد. از نظر هدف، نظریه‌های توسعه به دو دسته تقسیم می‌شوند. نظریه‌هایی که بر بهبود کیفیت زندگی، رفاه مادی و توسعه علم تمرکز دارند و نظریه‌هایی که تعالی انسان و ابعاد معنوی را هدف توسعه فرهنگی می‌دانند (گراوند و پروانه، ۱۳۹۷).

پرداختن به اموری نظیر مشارکت، توسعه نهادهای ارتباطی، رقابت سالم، پاسخگویی نسبت به مردم، تأمین حقوق شهروندی و حاکمیت قانون، مستلزم عزم بنیادین نظام آموزشی برای پرورش شهروندانی مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی و ایفای نقش‌های مؤثر و مطلوب است (محمدی، ۱۳۷۸). بنابراین افرادی که به خوبی و به شکل جامع رشد یافته‌اند، ظرفیت تبدیل شدن به مهره‌های ارزشمند و مولدی که با خصوصیات برجسته و طلایی خود یک جامعه را به جلو هدایت کرده تا دروازه‌های

ترقی، تعالی و پیشرفت را بیماید در خود نهفته دارند (شیرکرمی، ۱۳۹۶) و افرادی که در محیط‌های بی‌تفاوت، خانواده‌های غیرهنجارمند و بدون برنامه رشد کرده‌اند و نظم و مسئولیت‌پذیری را یاد نگرفته‌اند و یا در معرض آموزش‌های افراطی در ابعاد رفتاری، فکری و گفتاری قرار داشته‌اند، نمی‌توانند عضو مفیدی برای یک جامعه باشند و به تعالی و توسعه آن جامعه کمک کنند.

۶. تخرگرایی

در فرهنگ‌های فارسی دهخدا، عمید و معین، تخرج به سفت و سخت شدن مانند سنگ معنی شده است و در نظر صاحب‌نظران مترادف با ارتجاع، سرسختی، انجماد، کهنگی، سنگدلی، جهالت و مقاومت در برابر تغییرات در نظر گرفته شده است. در عرف و اصطلاح امروزی، تخرگرایی به نگرشهایی اطلاق می‌شود که از شکوفایی اندیشه و برقراری تعامل سازنده با جامعه ممانعت کرده و بی‌توجهی به ارزش ملاک‌های تشخیص صحیح و عقلانی و توقف در ملاک‌های گذشته را در پی دارد. در صورتی که تخرج را نوعی ناهنجاری اجتماعی بدانیم، علاوه بر آسیب‌های فردی بر نقش و وظایف متقابل نیز آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد و در این صورت، هر چه نقش و مسئولیت مهمتر باشد آسیب‌های ناشی از آن هم بیشتر خواهد بود (لطیفی، ۱۳۹۵).

کهنگی، سرسختی، نگاه قالبی و محدود، فکر بسته و غیرمنعطف و ضعف در درک دیگران از مصادیق تخرجند که زمینه را برای قساوت، پنهانکاری، خودسری، مقاومت، خشونت و دفاع از تعصبات نادرست هموار می‌سازند. در این صورت بعید نیست که شاهد قضاوت نادرست و دسته‌بندی سیاه و سفید در برخورد با دیگران باشیم. توقف در زمان گذشته، تعبیر نادرست و نگرش‌های از آنچه که درونی شده اما با واقعیت تطابق ندارد، افراد را به سمت اتخاذ تدابیر تدافعی و عدم قبول تغییر مثبت در رفتار و اتخاذ موضع‌گیری خشن سوق می‌دهد. در بستر این مسأله، خودمحوری، خودبینی، دیگر ستیزی، کج‌فهمی، انحصار و بزهکاری گسترش یافته و تجاوز به حقوق دیگران به امری معمولی تبدیل خواهد شد.

۷. فرهنگ و آموزش

در کنار تأثیرات عرصه‌های مختلف بر تعلیم و تربیت، فرهنگ نفوذ عمیق تری بر شیوه‌های تعلیمی و تربیتی بر جای می‌گذارد. چگونگی فرهنگ و آموزش و پرورش، نمایانگر تعالی یک جامعه است. جامعه متعالی دارای فرهنگ و تربیت متعالی است و در چنین بستری، اعتماد و اعتدال اجتماعی قابل مشاهده است. آموزش و پرورش باید اندیشیدن را ترویج کند، این رویه باید نسبت به مسائل و نیازها حساس باشد و به شکل جدی به آن‌ها بپردازد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸).

در یک جامعه پویا، آموزش و پرورش زمینه ساز رشد اخلاقی و فکری انسان هاست. نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروهای متخصص، به‌روز و نیز حفظ هویت جوامع بسیار حائز اهمیت است. بازبینی تشکیلات و تربیت معلمان و دانش‌آموزان نواندیش و مبتکر لازمه تحقق جامعه‌ای ایده‌آل و پیشرفته و احترام به ارزش انسان است. آموزش و پرورش را می‌توان مهمترین اندام و قلب یک جامعه دانست که هرگونه آسیبی به آن، سایر بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدزاده، ۱۳۹۳). امروزه اینکه آموزش و پرورش با دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و... در ارتباط تنگاتنگی است، یک واقعیت غیرقابل انکار است. آیا مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری، قانون‌مداری، و... با وضعیت تربیتی فرد در گذشته و حال در ارتباط نیست؟ (شیرکرمی و خدادادی، ۱۳۹۷). آموزش و پرورش (رسمی و غیررسمی) نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی انسان، طرز فکر، گفتار و رفتار و حتی تخصص و عملکرد او دارد. اما مطالعه وضعیت موجود تربیت انسانی آیا نشان‌دهنده یک کارنامه موفق است؟

آموزش و پرورش (آن طور که شاید و باید) انسان ساز نیست. وقتی ما به عنوان پدر، مادر یا معلم تعلیم کافی ندیده باشیم نمی توانیم تعلیم دهندگان خوبی هم باشیم. تعلیم و تربیت و مهارت باید در اولویت کار قرار گیرد و آموزش باید به صورت همگانی و ارزشمند درآید. اصولاً ما آموزش را به عنوان یک هدف می بینیم در حالی که آموزش هدف نیست بلکه وسیله ای برای رسیدن به هدف است. وقتی گفته می شود آموزش و پرورش باید انسان ساز باشد، این انسان سازی باید برای محصلان تعریف شود (حاتمیان، ۱۳۹۶). اگر نظام های آموزشی دچار سستی شوند و عاملان آن از نقش تأثیرگذار خود غفلت کنند، آن گاه بایستی انتظار جامعه ای را داشت که در لابه لای حجم زیادی از معضلات گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی، و ... در حال رکود است (شعبانی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر، آموزش و پرورش در سایر ابعاد و حوزه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در کل پیشرفت و فرایند تحقق توسعه در یک جامعه، نقش بسیار مؤثری را بر عهده دارد.

امروزه مفهوم شهروندی، شامل مجموعه ای از حقوق و تکالیف است که زندگی اجتماعی بدون توجه به آن ممکن نیست. آموزش شهروندی را می توان انتقال دانش ها، مهارت ها و ارزش هایی دانست که به واسطه آن، اعضا خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین لازم است که آموزش و پرورش امروزی مؤلفه های توسعه و رشد اجتماعی، فعالیت اقتصادی، انصاف و قانون مداری، خلاقیت و نوآوری، نقادی و بیان گفتاری و نوشتاری را در محتوا، اهداف، روش ها، برنامه ها و برنامه ریزی ها دنبال کند و تلفیق محتوای رسمی و غیررسمی و آموزش جامع و عمومی را در دستور کار قرار دهد.

۸. نتیجه گیری

فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش ها، سنت ها، تفکرات، تمایلات و روش های مشترک در یک جامعه مربوط می شود که سبک زندگی، اقدامات، تلاش ها، تعاملات، انتخاب ها، هنجارمندی و حتی گفتار افراد آن جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. حکایت و ضرب المثل ها، آداب و رسوم و شیوه های تربیتی، احوالپرسی ها و رفتار در یک جامعه همگی ریشه در فرهنگ آن جامعه دارد. می توان گفت که اگر ویژگی های منفی فرهنگی اصلاح و ترمیم نشود، این ویژگی ها تمام جوانب و امور یک جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند.

چرا بعضی جوامع از نظر روند توسعه، رفاه، امنیت و آرامش، عدالت و برابری و رضایت در جایگاه برتری قرار دارند و رعایت اصول شهروندی امری عادی، نهادینه و همه گیر است اما در برخی دیگر با وجود اعمال انواع کنترل بیرونی و صرف هزینه های بسیار در این مورد، اعضای جامعه همچنان با آسیب های متعدد و متنوع در ابعاد مختلف رو به رو هستند؟ پاسخ را باید در عرصه فرهنگ جستجو کرد.

جامعه ای که از تعالی فرهنگی برخوردار باشد به طور خودکار و با کمترین هزینه در مسیر تکامل و پیشرفت قرار می گیرد و بخش های مختلف آن وظایف و تکالیف خود را بدون نیاز به صرف وقت و هزینه بالای کنترل، به نحو احسن انجام می دهند. اما اگر ظواهر مبنای قضاوت قرار گیرد، ارزش های واقعی مورد غفلت قرار می گیرد و کنترل بیرونی بر کنترل درونی ارجحیت می یابد. در چنین بستری اگر بر منبعی تسلط یابیم مستعد تاخت و تاز خواهیم بود، اگر به مقامی دست یابیم برای انحصار و بازتولید برنامه ریزی می کنیم و حتی اگر بر شرایط و قواعد یک عرصه تسلط نداشته باشیم سعی می کنیم توپ و میدان را در اختیار داشته باشیم.

فرهنگ علاوه بر تأثیر بر کارآمدی و رشد و توسعه داخلی از مشخصه های تعیین کننده و تضمین کننده برای حفظ و ارتقای جایگاه علمی، سیاسی و اقتصادی جوامع در سطح بین المللی به شمار می رود. بنابراین باید به تقویت و گسترش نقاط و ویژگی های مثبت فرهنگی بپردازیم و دانش و تجارب تاریخی، فردی و جمعی خود را در راستای اعتلای فرهنگ به کار گیریم.

منابع و مراجع

۱. منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام، نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، مجله مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۴ و ۷۳، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱-۱۳۴.
۲. ضمیری، محمد رضا؛ تربیت و جامعه، مجله معرفت، شماره ۴۵، ۱۳۸۰.
۳. Adebayo, S.O. Ilori, O.S. *Influence of Paranormal beliefs on Psychopathology in a Cross-Society. Journal of Humanities and Social Science. No 2, 2013, pp 63-70.*
۴. بهشتی، سید محمد، بیماری های فرهنگی جامعه را نباید ویژگی های خودمان معرفی کنیم، چهارمین همایش روانپزشکی فرهنگی و اجتماعی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۴.
۵. ---، رویکردهای روانشناسی، دانشنامه حوزوی ویکی فقه، سایت: <http://wikifeqh.ir>
۶. اتکینسون، ریتال و همکاران، زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۸، ص ۴۲.
۷. نجاتی، وحید، بررسی شاخص های عصب شناختی فرهنگ مردم ایران و تدوین کاربرست های آن در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گزارش طرح پژوهشی مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
۸. Markis, H.R. *Culture and personality Brief for an arranged marriage, Journal of Research in Personality, No 38, 2004, pp 75-83.*
۹. رحمت آبادی، اعظم، مطهری و آسیب شناسی فرهنگی، ۱۳۹۳، بر گرفته از سایت www.bashgah.net
۱۰. شاهی صدرآبادی، فاطمه؛ رحمتی نژاد، پروین؛ خسروی، زهره؛ حسینی شریف، سیده زهرا، فرهنگ و آسیب شناسی روانی: متغیرهای بین فرهنگی و پدیدارشناسی اسکیزوفرنیا، ۱۳۹۵، سایت: www.SID.ir
۱۱. لطیفی، حسین؛ مصادیق فرهنگ: تاجر چیست؟، ۱۳۹۵، <http://porsemankalami.blogfa.com/post-35.aspx>
۱۲. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی فرهنگ و تربیت (واقعیت‌های روان‌شناختی تربیت و فرهنگ)، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۱۳. محمدزاده، شاپور، نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه، ۱۳۹۳، سایت: <https://social.parsiblog.com>
۱۴. شیرکرمی، جواد؛ خدادادی، قاسم، آموزش و پرورش، انسان سازی و اصلاح اجتماعی، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۷، ص ۹-۱.
۱۵. حاتمیان، عبدالله، (عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی)، ۱۳۹۶، خبرگزاری علم و فناوری: <http://www.stnews.ir/content/news/38743>
۱۶. شعبانی، محمد؛ عاملیت معلم: ضرورتی برای تحقق اصلاحات اجتماعی، ۱۳۹۳، پایگاه خبری تحلیلی صدای معلم: <http://sedayemoallem.ir>
۱۷. نیازی، محسن؛ قبایی آرانی، محدثه؛ عسکری کویری، اسماء، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی با تأکید بر سبک زندگی و فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهروندان شهرهای آران و بیدگل و کاشان)، فصلنامه جامعه شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۹۵، ص ۲۰۱-۲۳۲.
۱۸. امین‌زاده، الهام، آموزش حقوق برای عموم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴، کد خبر ۸۱۷۴۴۹۸۱.
۱۹. شیرکرمی، جواد، تحلیل رابطه دو سویه تربیت و اجتماع، مجله ترویج علم، سال هشتم، شماره ۱۳، ۱۳۹۶، ص ۲۳-۴۰.
۲۰. گراوند، مجتبی؛ پروانه، فرهاد، توسعه فرهنگی و بررسی ویژگی ها، ابعاد و اهداف آن از دیدگاه امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، سال بیستم، شماره هفتادوهشت، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵-۱۲۷.

۲۱. محمدی، مجید، جامعه مدنی ایران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۸.

۲۲. ---، روانشناسی فرهنگی (شخصیت، تعلیم و تربیت خانواده)، ۱۳۹۴، <http://www.irannema.com/v/5397/>.

Society injuries in the light of culture with a psychological look

Javad Shirkarami ¹

¹PhD. Student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Arak Branch

Abstract: Culture is one of the most important parts of human life throughout history, so that Without culture, life and identity of a society does not mean anything. We attention that the way of life, progress, laws and norms, behavior, thoughts and habits All have roots in the culture of every society. in fact all aspects of life of a society, including political, economic, social-communication, security, education and services are influenced by the culture of that society. But each culture has a lot of positive or negative qualities. Undoubtedly, in a society whose members perceive the welfare, well being and progress of society, they are not indifferent to their species and are always seeking to promote themselves and their community The material and spiritual progress of that community can be hoped. But inattention to cultural damage inflicting heavy blows on the progress, welfare, integrity and quality of citizens' lives. the lack of an effort to know for these damages will lead to the continuation of the undesirable situation and the spread of disorder and backwardness of a society.

keywords : culture, society, education, personality, Cultural psychology.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی